

تحلیل درهم تنیده حقوق کار زنان قالیباف (مطالعه موردی بیمه زنان قالیباف تبریز)

شیوا بازرگان*

امیر نیک پی**

چکیده

زنان بخش اعظمی از جمعیت قالیبافان در ایران را تشکیل می‌دهند که غالباً در خانه و بدون کارفرما مشغول قالیبافی بوده و از بیمه اجتماعی اجباری محروم هستند. قانون بیمه قالیبافی مصوب ۱۳۸۸ فرصت برخورداری از بیمه اجتماعی را به آنها داد اما در این مقاله، یک گروه از زنان قالیباف حاشیه‌نشین تبریز مورد مطالعه قرار می‌گیرد که علی‌رغم اشتغال تمام وقت، نتوانستند از حمایت قانون‌گذار برخوردار شوند. چرایی و چگونگی عدم دسترسی این زنان به بیمه قالیبافی، پرسش اصلی مقاله است. برای جمع‌آوری داده، از روش کیفی و تکنیک مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شده است. تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون در چارچوب نظری درهم‌تنیدگی نشان می‌دهد که روابط و موقعیت نابرابر بین فردی و درون‌گروهی، موانع ساختاری، توجیه‌های فرهنگی و عقیدتی و حوزه‌ی تنظیم‌گری انضباطی و اداری در ارتباط با یکدیگر منجر به محرومیت این زنان از حقوق کار شده است. شناسایی حقوقی هم‌ه‌ی قالیبافان به عنوان یک گروه مشابه و واحد بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های آنها منجر به دسترسی نابرابر به این قانون شده است. این گروه از زنان قالیباف نه تنها به خاطر جنسیت خود، بلکه در وضعیت درهم‌تنیده با محل زندگی، طبقه‌ی اقتصادی و اجتماعی و سن در یک موقعیت در حاشیه قرار گرفته‌اند. نظام حقوق کار با تعریف مضیق از کارگر، زنان قالیباف خانگی را به عنوان کارگر به رسمیت نشناخته و سازوکار مناسب برای تضمین دسترسی آنها به حقوق کار از جمله تأمین اجتماعی پیش‌بینی نکرده است. نهایتاً، با توجه به موقعیت درهم‌تنیده قالیبافان، نظام جایگزین بیمه قالیبافی پیشنهاد می‌شود که چندلایه و چندبعدی، منعطف و دارای سطح‌بندی باشد.

کلیدواژه‌ها: درهم‌تنیدگی، تبعیض درهم‌تنیده، حقوق کار، تأمین اجتماعی، بیمه قالیبافی.

مقدمه

حق بر کار و تأمین اجتماعی از حقوق اقتصادی و اجتماعی است که هم در نظام بین‌المللی حقوق بشر و هم در حقوق داخلی مورد توجه قرار گرفته است. اصول بنیادین و حقوق و آزادی‌های مربوط به کار (از قبیل حق کار، اصل عدم تبعیض، حداقل مزد و ...) جزء اصول مسلم به شمار می‌آید.^۱ سازمان بین‌المللی کار، گسترش مقررات تأمین اجتماعی به منظور تضمین درآمد پایه و تأمین مراقبت‌های پزشکی و رفاه کارگران را از اهداف خود در اعلامیه فیلادلفیا مصوب ۱۹۹۴ بیان می‌کند.^۲ از سوی دیگر، اصل فراگیری، اصل عدم تبعیض یا برابری جنسیتی در برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی، اصل تضمین دولت و اصل حمایتی بودن مقررات تأمین اجتماعی از اصول عام حاکم بر تأمین اجتماعی است.^۳ همچنین، اصل کفایت که در بند ب ماده ۹ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته، به ارتقای پوشش بیمه‌های اجتماعی متناسب با شرایط اقتصادی، فرهنگی، قومی و مذهبی هر جامعه تأکید دارد که منجر به کفایت نسبی نیازهای بیمه‌شدگان می‌شود.^۴ به موجب اصل فراگیری، نظام تأمین اجتماعی همه‌ی آحاد جامعه را فارغ از رنگ پوست و تعلق قومی و جغرافیایی در برمی‌گیرد.^۵ در ایجاد ارتباط بین اصل فراگیری و کفایت با منع تبعیض جنسیتی، می‌توان این سؤال را مطرح کرد که آیا همه‌ی زنان در برخورداری از حق بر تأمین اجتماعی در موقعیت یکسانی قرار دارند؟ این پرسش را می‌توان در خصوص دسترسی زنان در مقابل مردان به حق بر کار شایسته و حقوق کار ناشی از آن مطرح کرد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های برابری جنسیتی، مشارکت اقتصادی است که شامل سه مفهوم فاصله در مشارکت (اختلاف در نرخ مشارکت نیروی کار زنان به مردان)، فاصله دستمزد (نسبت برآورد درآمد اکتسابی زنان به مردان) و فاصله در پیشرفت زنان و مردان (نسبت زنان به مردان در دو گروه شغلی قانون‌گذاران، مقامات ارشد

۱. عراقی، عزت‌الله، حقوق کار، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱، ص ۴۸.

۲. صادقی حقیقی، دیدخت، نسرین مصفا و فریده شایگان، راهنمای سازمان ملل متحد: موسسات تخصصی و وابسته و رابطه جمهوری اسلامی ایران با آنها، تهران: نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص ۱۶۳.

۳. عراقی، عزت‌الله، حسن بادینی و مهدی شهبابی، درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی: نقد قانون تأمین اجتماعی ایران بر اساس مطالعه تطبیقی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش‌های تأمین اجتماعی، ص ۹۱.

۴. استوارسنگری، کوروش، حقوق تأمین اجتماعی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰، ص ۹۴.

۵. ساروخانی، باقر، اصول پایه در تدوین نظام تأمین اجتماعی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش‌های تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸، ص ۷۶.

و مدیران و کارکنان حرفه‌ای و فنی) است.^۱ اما آیا می‌توان از یک شکل از تجربه تبعیض و محرومیت از حقوق کار زنان در مقابل مردان بحث کرد؟^۲

این مقاله به بررسی تجربه‌ی اشتغال یک گروه از زنان قالیباف خانگی می‌پردازد که علی‌رغم کار تمام وقت مشمول هیچ رابطه‌ی استخدامی نبوده و در نتیجه از حمایت‌های قانونی برخوردار نیستند. قانون کار ایران کارگاه‌های خانوادگی را از شمول قانون کار خارج می‌کند و این بدین معناست که زنان قالیباف که در خانه و در محیط‌های خانوادگی قالی می‌بافند، از برخی مزایای قانون کار برخوردار نیستند. در سال ۱۳۸۸ قانون‌گذار با تصویب قانون بیمه‌های اجتماعی قالیبافان، بافندگان فرش و شاغلان صنایع دستی شناسه‌دار (کددار)، قالیبافان بدون کارفرما در کارگاه‌های خانگی تک‌باف قالی و فرش را تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار داد؛ به عبارت دیگر این قانون بر ماده چهارم قانون کار در تعریف از کارگاه استثناء وارد کرد. با استناد به این قانون، زنان قالیباف می‌توانستند از حمایت‌های تأمین اجتماعی شامل بازنشستگی، از کارافتادگی و فوت برخوردار شوند اما این گروه از زنان مورد مطالعه نتوانستند از امتیازات این قانون استفاده کنند؛ بنابراین، این پرسش مورد توجه قرار می‌گیرد که چرا علی‌رغم حمایت نظام حقوقی، این زنان نتوانسته‌اند از پوشش بیمه‌ای برخوردار شوند؟

برای تحلیل موقعیت این گروه از زنان در وهله‌ی اول، امکان اعمال تبعیض جنسیتی در مرکز بحث قرار می‌گیرد اما می‌توان روش «سؤال دیگر را پرس» به کار برد؛^۳ در این روش، نقش

۱. معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، تحلیل وضعیت شاخص‌های جنسیتی در ایران، ۱۳۹۵، ص.

۵، قابل دسترس در: (۱۴۰۰/۲/۳۰)

<http://women.gov.ir/uploads/images/gallery/ejtemaee/mostanad/tahlil.pdf>

۲. برای مثال «بررسی آمارهای نرخ بیکاری به تفکیک زنان در استان‌ها نشان می‌دهد که تفاوت در نرخ بیکاری باتوجه به پراکندگی جغرافیایی متفاوت بوده و وضعیت بیکاری زنان به ویژه زنان تحصیلکرده به طور خاص در استان‌های غربی کشور بسیار نامناسب است. نرخ بیکاری زنان جوان تحصیلکرده در این استان‌ها به بازه ۶۳ تا ۷۸ درصد می‌رسد» در حالی که این آمار در تهران ۲۵ درصد است. برگرفته از:

دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهش اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، آسیب‌شناسی سیاست‌ها و مقررات بازار کار ایران (شناخت وضع موجود بازار کار با تأکید بر تفاوت‌های استانی)، کد موضوعی ۲۲۰ و شماره مسلسل ۱۵۶۰۵، ۱۳۹۶، ص ۲.

3-Matsuda, M. J. "Beside my sister, facing the enemy: Legal theory out of coalition." Stan. L. Rev. Vol. 43, 1990, p. 1183

سایر مقوله‌ها در ارتباط با یکدیگر بررسی می‌شود. رابطه‌ی بین موقعیت طبقه‌ای این زنان و به حاشیه رانده شدن آن‌ها به عنوان زن قالیباف چیست؟ آیا می‌توان از تبعیض بر مبنای سن در مورد این زنان صحبت کرد؟ آیا سکونت زنان قالیباف در روستاها و مناطق حاشیه‌ی شهری در دسترسی آن‌ها به نظام حقوق کار و به دنبال آن بیمه پایه اجتماعی تاثیرگذار است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، نگارندگان از درهم‌تنیدگی به عنوان یک ابزار تحقیق استفاده می‌کنند تا نشان دهند که چگونه جنسیت با سایر عوامل و زمینه‌ها در یک ساختار بزرگ‌تر از روابط قدرت پیچیده شده^۱ و چگونه حقوق کار با وضعیت این گروه از زنان روبه‌رو شده است. هدف آن است که اهمیت وجود رویکرد درهم‌تنیده در تصویب و اجرای قوانین و مقررات نشان داده شود. پس از توضیح چارچوب نظری و روش، ابتدا به بررسی رویکرد کلی حقوق کار ایران در حمایت از زنان و تضمین اصل برابری جنسیتی پرداخته می‌شود. سپس، وضعیت خاص و متقاطع این گروه از زنان قالیباف در نحوه‌ی ارتباط و برخورداری از حقوق کار و به طور ویژه دسترسی به بیمه اجتماعی در سطوح چهارگانه ماتریس سلطه بررسی می‌شود. نهایتاً، پیشنهادهایی برای دسترسی عادلانه به قانون بیمه قالیبافی مطرح خواهد شد.

گفتار اول. چارچوب نظری

اولین بار درهم‌تنیدگی از ادبیات حقوق کار و ضدتبعیض توسط کیمبرلی کرناشو، استاد حقوق کالیفرنیا آغاز شد که رویه‌ی حقوق ضدتبعیض در آمریکا را به دلیل نادیده‌گیری وضعیت خاص زنان سیاه در تقاطع جنسیت و نژاد در اشتغال مورد نقد قرار داد.^۲ هم‌زمان پاتریشیا هیل کالینز،^۳ جامعه‌شناس سیاه‌پوست در سال ۱۹۹۰ ابتدا اندیشه‌ی فمینیسم سیاه را به عنوان نظریه‌ی انتقادی-اجتماعی معرفی کرد که رویکردهای افزایشی^۴ درباره‌ی سلطه را رد می‌کند؛ اندیشه‌ی فمینیستی سیاه، به جای آن‌که از جنسیت شروع کند و سپس دیگر متغیرها مانند سن، گرایش جنسی، نژاد و طبقه‌ی اجتماعی و مذهب را بر آن بیفزاید، این نظام‌های متمایز سلطه را به مثابه‌ی اجزای یک ساختار فراگیر سلطه در نظر می‌گیرد.^۵

1-Lutz, H. "Intersectionality as method." DiGeSt. Journal of Diversity and Gender Studies, Vol. 2, No. 1-2, 2015, p.40

2-Crenshaw, K. "Demarginalizing the intersection of race and sex." Chi. Legal F 139, 1989, pp. 141-150

3-Patricia Hill Collins (1948) .

4-Additive Approaches .

5-Collins, P. H. Black feminist thought: Knowledge, consciousness, and the politics of empowerment. New York: Rout- .

ledge, 2000, pp. 221-224

در این حالت، کالینز درهم‌تنیدگی بین جنسیت، نژاد و طبقه را عواملی می‌بیند که به صورت درهم‌تنیده فرایندهای خرد سلطه را شکل داده و هر فرد یا گروهی را در یک موقعیت خاص اجتماعی در یک نظام سلطه‌های بهم‌پیوسته^۱ قرار می‌دهد؛ بنابراین، از نظر کالینز، سطح خرد درهم‌تنیده و سطح کلان بهم‌پیوسته با همدیگر به سلطه شکل می‌دهند و مکمل هم هستند.^۲ استفاده‌ی کالینز از مفهوم سلطه‌های بهم‌پیوسته از طریق «ماتریس سلطه»^۳ سازمان‌دهی می‌شود که در آن چهار حوزه از قدرت با هم در ارتباط‌اند؛ حوزه‌ی بین فردی^۴ بر زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد؛ «روابط قدرت مربوط به زندگی افراد است و این‌که چگونه با هم در ارتباط هستند و چه کسانی از تعاملات اجتماعی سود برده یا زیان می‌بینند»^۵ حوزه‌ی انضباطی^۶ سلطه را اداره می‌کند؛ «در سازمان‌دهی قدرت، با افراد مختلف با توجه به آن‌که مشمول چه قواعدی باشند، برخوردهای متفاوتی صورت می‌گیرد»^۷ در حوزه‌ی فرهنگی^۸ و برای سازمان‌دهی قدرت، ایده‌های توجیه‌گر نابرابری‌های اجتماعی مهم هستند و برای عادی‌سازی آن‌ها به کار می‌روند. حوزه‌ی ساختاری^۹ متشکل از ساختارهای اجتماعی مانند حقوق، سیاست، مذهب و اقتصاد است. این قلمرو پارامترهای ساختاری را که سازمان‌دهنده‌ی نسبت قدرت هستند، تنظیم می‌کند؛^{۱۰} به عبارت دیگر، روابط اجتماعی در قالب مقوله‌های اجتماعی که منجر به شکل‌گیری موقعیت و سلسله‌مراتب در حوزه‌های مختلف می‌شوند، نقاط اتصال آن‌ها در یک ساختار بزرگ‌تر نیز مورد توجه قرار گیرد؛ به عبارتی همان‌گونه که بورديو می‌گوید، هر قلمرو برای قلمروهای دیگر به عنوان یک زمینه عمل می‌کند^{۱۱} و روابط متقابل بین آن‌ها وجود دارد:

1-Interlocking Oppressions

2-Dhamoon, R. K. "Considerations on mainstreaming intersectionality." Political Research Quarterly, Vol. 64, No. 1, .2011, p. 239

3-The Matrix of Domination .

4-The interpersonal domain of power .

5-Dhamoon, R. K. "Considerations on mainstreaming intersectionality." Political Research Quarterly, Vol. 64, No. .1, 2011, p. 5

6-The disciplinary domain of power .

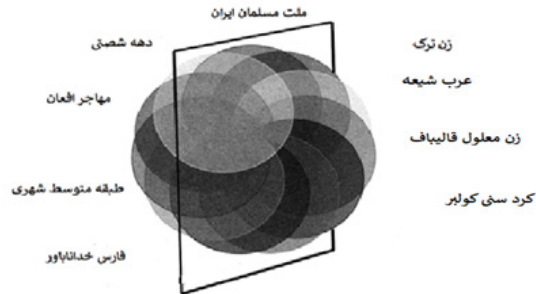
7-Dhamoon, R. K. "Considerations on mainstreaming intersectionality." Political Research Quarterly, Vol. 64, No. 1, .2011, p. 6

8-The cultural domain of power .

9-The structural domain of power .

10-Collins, P. H. Black feminist thought: Knowledge, consciousness, and the politics of empowerment. New York: Routledge, 2000, pp. 275-277

11-See: Bourdieu, P. The logic of practice. Stanford university press, 1990



حقوق و نظام‌های حقوقی در این تقسیم‌بندی در قلمرو ساختاری قرار می‌گیرد که در قالب نهادها و سازمان‌های خاص بروز می‌یابند. این مطالعه‌ی موردی تجارب زنان قالیباف را در ارتباط با حقوق کار نشان می‌دهد که حقوق نه تنها در شکل‌گیری ساختار نقش دارد، بلکه هم حوزه‌ی سلطه را اداره می‌کند (حوزه‌ی انضباطی) و هم در حوزه‌ی ضدسلطه نقش دارد که ارتباط مستقیمی با حوزه‌ی فردی خرد (اقدامات و تجارب روزمره) دارد. همچنین، حقوق صرفاً در بازتولید گفتمان‌های غالب نمانده و نمایندگی آن‌ها را بر عهده ندارد، بلکه خود به تولید نمادها می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، علی‌رغم جاگیری حقوق در بخش ساختاری این ماتریس سلطه، جداسازی آن از حوزه‌ی فرهنگی ممکن نیست؛ زیرا حقوق در هر دو مورد آثار عینی و نمادین به‌هم پیوسته دارد. به نظر می‌رسد هشدار برهادر خصوص دوگانه‌سازی ساختار و فرهنگ در تحلیل روابط اجتماعی را باید جدی گرفت؛^۱ زیرا هر دو به شکل فرایندهای رابطه‌ای ساخته می‌شود و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد و حوزه‌هایی مانند حقوق در هر دو بازیگری فعال است که اعمال متقابلی را شکل می‌دهد. نمونه‌ای از این روابط متقابل در این مطالعه‌ی تجربی نشان داده می‌شود. نهایتاً، کالینز و بیلگه معتقدند که تحلیل درهم‌تنیده، تحلیل روابط قدرت است. آن‌ها از نظامی که بر مبنای دوگانه‌ی سلطه‌گر یا تحت سلطه، فرودست و فرادست فراتر رفته و نظام‌ها را با فرایندهایی پیچیده تفسیر می‌کنند که نمی‌تواند صرفاً با تمرکز بر یک بعد بحث شود. یک فرد می‌تواند یک سلطه‌گر، عضو یک گروه تحت سلطه یا به صورت هم‌زمان سلطه‌گر و تحت سلطه باشد. «فرد از مقادیر متنوع امتیاز و محرومیت ناشی از نظام‌های چندگانه‌ی سلطه برخوردار می‌شود که زندگی وی را شکل می‌دهد.»^۲ این فرا رفتن از فهم دوگانه یا چندگانه

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.

Brah, A. Cartographies of diaspora: Contesting identities. New York: Routledge, 2005.

2-Collins, P. H. Black feminist thought: Knowledge, consciousness, and the politics of empowerment. New York: Routledge, 2000, p. 229.

با رویکرد افزایشی منجر به آن می‌شود که در حوزه‌ی درهم‌تنیدگی از درجات متفاوت فرادستی و فرودستی بحث شود. همچنین، درهم‌تنیدگی را به عنوان ابزار انتقادی تحقیق و عمل^۱ شناسایی می‌کنند که برای مطالعه‌ی طیف گسترده‌ای از پدیده‌های اجتماعی به کار می‌رود. بدان معنا که برای فعالان درهم‌تنیدگی صرفاً یک ابزار برای پژوهش‌های نظری نیست؛ بلکه تحلیلی برای انجام کار عدالت اجتماعی است.^۲

گفتار دوم. روش

برای انجام این پژوهش ابتدا شهر تبریز به عنوان یکی از مراکز قالیبافی کشور به عنوان محل مطالعه‌ی میدانی انتخاب شد. سپس، جامعه‌ی آماری از بین مناطق ده‌گانه‌ی شهر تبریز از منطقه ده با دسترسی کمتر به خدمات عمومی، انتخاب شد. یک گروه از زنان از بین اعضای مددجوی یک بنگاه خیریه در محله‌ی فقیر و حاشیه‌نشین تبریز انتخاب شده و اطلاعات زمینه‌ای جمع‌آوری شد. ۱۲ نفر از آن‌ها که به صورت تمام وقت به کار قالیبافی مشغول بودند و مشمول بیمه قالیبافی و همین‌طور هیچ‌گونه بیمه اجتماعی نبودند، انتخاب شدند. برای انجام پژوهش، از روش کیفی استفاده شده و داده‌ها از طریق مصاحبه‌ی عمیق نیمه‌ساختاریافته و سایر داده‌های فرعی استخراج شده است. روش کیفی از آن جهت انتخاب شد که بر یک هسته‌ی درهم‌تنیده‌ی معین (یک گروه اجتماعی، رخداد یا مفهوم واحد) تمرکز می‌کند تا تک به تک تأثیر نژاد، جنسیت و ... را بر همدیگر و به صورت متقابل شناسایی کند. این روش به ما اجازه می‌دهد تا یک گروه خاص را در تقاطع مقوله‌های چندگانه تبعیض بررسی کنیم تا تجارب متفاوت این گروه‌ها یا اعضای آن را قابل مشاهده سازیم.^۳

همه‌ی مصاحبه‌شوندگان از وجود بیمه قالیبافی مطلع بودند. مصاحبه‌شوندگان در بازه‌ی سنی ۳۰ تا ۶۰ سال قرار داشتند. میزان تحصیلات از بی‌سواد تا مدرک دیپلم متغیر بود. همه‌ی مصاحبه‌شوندگان متأهل یا مطلقه و دارای فرزند بودند. پنج نفر از مصاحبه‌شوندگان دارای همسر یا پسر معتاد به مواد مخدر بودند. درآمد خانوار همه‌ی مصاحبه‌شوندگان زیر دو میلیون تومان در حین انجام مصاحبه بود. همه‌ی مصاحبه‌ها به زبان ترکی انجام شده

1-Critical inquiry and praxis.

2-Collins, Patricia Hill and Sirma Bilge. Intersectionality. John Wiley & Sons, 2020. Ch.8, pp. 7-8.

3-Hyett, Nerida, Amanda Kenny and Virginia Dickson-Swift. "Methodology or method? A critical review of qualitative case study reports." International journal of qualitative studies on health and well-being, Vol. 9, No. 1, 2014, p. 9.

و به فارسی پیاده شده‌اند. داده‌های حاصل از مصاحبه با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون در چارچوب نظری درهم‌تنیدگی تحلیل می‌شود. تحلیل مضمون یک روش شناخته‌شده و کاربردی برای تحلیل گزاره‌ها (تم) در داده‌های کیفی است که منجر به ایجاد یک مجموعه کد می‌شود.^۱ با استفاده از درهم‌تنیدگی در ماتریس سلطه به تحلیل چگونگی محرومیت گروهی از زنان قالیباف از نظام حقوقی که مورد حمایت قرار گرفته‌اند، پرداخته می‌شود. روش درهم‌تنیده برای تحلیل موقعیت‌های نابرابر ناشی از مقوله‌بندی‌های اجتماعی مبتنی بر روابط قدرت پیچیده در شرایط و زمینه‌ی خاص و با هدف رسیدن به عدالت اجتماعی به کار می‌رود. این روش به بررسی تعامل و روابط بین مقوله‌های اجتماعی مانند جنسیت، قومیت، طبقه و سن می‌پردازد که «چگونه حوزه‌های قدرت به صورت هم‌زمان عمل می‌کنند و در تعامل با یکدیگر سلسله‌مراتب قدرت را حفظ می‌کنند».^۲

گفتار سوم. مرور پیشینه

بر اساس سرشماری‌های مرکز آمار ایران، سهم زنان در نیروی کار از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ ابتدا روند صعودی را طی کرده و از ۹/۷ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۱۳/۷ درصد در سال ۱۳۵۵ افزایش یافته است و سپس روندی نزولی را در پیش گرفته و به ۸/۸ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده و پس از آن در سال ۱۳۷۵ به ۹/۱ درصد رسیده است.^۳ در ده سال گذشته، نرخ مشارکت اقتصادی زنان همواره کمتر از ۱۷ درصد بوده است.^۴ در این قسمت، ابتدا به این موضوع پرداخته می‌شود که رویکرد کلی نظام حقوقی ایران و به طور خاص قوانین و مقررات مربوط به کار و در رأس آن، قانون اساسی نسبت به مسئله‌ی اشتغال زنان چیست؟ نظام حقوق کار چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی در جهت تضمین حقوق کار در اختیار زنان ایرانی قرار می‌دهد؟ سپس، به وضعیت خاص زنان قالیباف و نحوه‌ی حمایت قانون‌گذار از آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. خنیفر، حسین و ناهید مسلمی، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی، جلد اول، تهران: نگاه دانش، ۱۳۹۷، صص ۵۳-۵۷

2-Cho, S. "Post-intersectionality." Du Bois Review 10, No. 2, 2013, p. 385.

۳. راستگو، الهه، شناخت بازار کار و نیازهای امروزی کشور، اقتصاد، کار و جامعه، شماره ۳۷، ۱۳۷۹، صص ۲۴.

۴. مرکز آمار ایران، بررسی شاخص‌های عمده‌ی بازار کار در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵، ۱۳۹۵، قابل دسترس در: ۱۴۰۰/۲/۲۲)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صراحتاً جنسیت را به عنوان یکی از زمینه‌های ممنوعه‌ی تبعیض نشناخته است^۱ اما در چارچوب نقش‌های جنسیتی از پیش تعریف‌شده در قالب واحد خانواده برای زنان امتیازاتی را شناسایی می‌کند.^۲ در سطح قوانین عادی، ماده ۶ قانون کار مصوب ۱۳۶۹ نیز عیناً به تکرار اصول قانون اساسی می‌پردازد. این قانون در ماده ۳۸ خود اصل مزد برابر برای کار مساوی را شناسایی می‌کند اما به موضوعاتی مانند «اصل عدم تبعیض در استخدام، عدم تبعیض در ارتقای شغلی، ممنوعیت آزار جنسی در محیط کار»^۳ و ... نمی‌پردازد. اگرچه در این قانون انجام کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور و نیز حمل بار بیش از حد مجاز با دست بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع شده است و مرخصی زایمان و شیردهی نیز در نظر گرفته شده است.^۴

همچنین، قوانین و مقررات دیگری نیز با موضوع کار زنان توسط دولت و شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده‌اند.^۵ آنچه مشخص است مشروط بودن حمایت حقوق کار ایران از زنان شاغل به عدم تعارض آن با تفاوت‌های زیستی، مصالح خانوادگی، منفعت عمومی و قواعد شرعی و شریعت است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد هدف از این نظام‌های حمایتی بیش از آن‌که تضمین اصل برابری جنسیتی در بازار کار و اشتغال باشد، حفظ زنان شاغل در چارچوب خانواده و نقش‌های مادری و همسری است. این موضع، «نظام حقوقی ایران در قبال اشتغال زنان را در یک وضعیت متناقض قرار می‌دهد؛ زیرا از یکسو با گسترش آموزش عالی، زنان بیش‌تر در فضای عمومی حضور یافته و طبیعتاً به دنبال اشتغال هستند و از سوی دیگر در همین حوزه عمومی نقش مادری و همسری آن‌ها مورد تأکید گفتمان عمومی قرار می‌گیرد»^۶

۱. اصل ۱۹ قانون اساسی.

۲. اصل ۲۱ قانون اساسی.

3-DeVoe, D. "Gender issues range from salary disparities to harassment." *InfoWorld* Vol. 21, No. 44, 1999, pp. 78-79.

۴. ماده ۷۷ و ۷۸ قانون کار.

۵. قانون راجع به خدمت نیمه وقت بانوان مصوب ۶۲، قانون ترویج تغذیه با شیر مادر و حمایت از مادران شاغل در دوران شیردهی مصوب ۷۴، قانون حق استفاده از مرخصی زایمان موضوع ماده ۲۶ آیین‌نامه مرخصی‌ها مصوب ۴۶، قانون اصلاح بند ب تبصره ۱ ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۷۰، آیین‌نامه کارهای سخت و زیان‌آور مصوب ۷۱، آیین‌نامه مربوط به حمل بار با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن و نوجوانان مصوب ۷۰ و قانون کاهش ساعات کار بانوان شاغل دارای شرایط خاص مصوب ۱۳۹۵، سیاست‌های اشتغال زنان مصوب ۷۱.

6-Kar, M. "Iranian law and women's rights." *Muslim World Journal of Human Rights*, Vol. 4, No. 1, 2007, p. 3.

همچنین، محدودیت‌ها و عدم رویکرد درهم‌تنیده حقوق کار ایران ممکن است منجر به محرومیت گروه‌های مختلف زنان در سطوح مختلف از جمله در دسترسی به تأمین اجتماعی شده باشد. یک گروه از این زنان، قالیبافانی هستند که در نقاط مختلف ایران به کار قالیبافی مشغول هستند. نکته‌ی اساسی آن است که برخورداری از حمایت‌های قانون کار از جمله مزایای تأمین اجتماعی و سایر مقررات مربوط به زنان در حقوق کار مشروط به آن است که این زنان به عنوان کارگر یا مستخدم به رسمیت شناخته شوند؛ برای مثال، قانون کاهش ساعت کار شامل زنان شاغل در دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۲۲۲ قانون برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۹ و بخش غیردولتی اعم از مشمولان قانون کار و قانون تأمین اجتماعی است.

اگرچه فرش از مهم‌ترین صادرات غیرنفتی در ایران است و کارگاه‌های قالیبافی متعددی در ایران وجود دارد اما قالیبافی در ایران هنوز به صورت نظام‌مند درنیامده و همچنان یک کار خانگی است و بیش‌ترین میزان تولید قالی در ایران در خانه‌ها و توسط زنان است. به دلیل همین ماهیت خانگی نیز قالیبافی اصولاً یک شغل زنانه به حساب می‌آید. این نکته را نیز باید مد نظر داشت که در گذشته و با توجه به سبک زندگی روستایی، تهیه‌ی گلیم و قالی جزئی از خانه‌داری و برای مصرف داخلی بود اما کم‌کم قالی‌های مازاد بر مصرف توسط مرد خانواده فروخته یا با کالاهای دیگر مبادله شده و کمک هزینه‌ای برای خانواده می‌شد و بدین شکل زنان نیز به درآمد خانواده کمک می‌کردند.^۱ در ایران یک میلیون و دویست هزار دار قالی در ۲۱۰ شهر و ۲۷۰۰۰ روستا وجود دارد که در این کارگاه‌ها حدود دو میلیون و دویست هزار نفر بافنده به صورت دائمی و فصلی یا جنبی به کار قالیبافی و گلیم‌بافی اشتغال دارند.^۲ از این تعداد حدود یک میلیون و دویست هزار نفر به صورت تمام وقت کار می‌کنند. حدود ۸۲ درصد از قالیبافان ایران را زنان تشکیل می‌دهد؛^۳ برای مثال، تمامی قالیبافان فرش مشهور دستباف شهر مهربان از توابع استان آذربایجان شرقی، زنان هستند.^۴

1-Ghavamshahidi, Z. "The linkage between Iranian patriarchy and the informal economy in maintaining women's subordinate roles in home-based carpet production." In Women's Studies International Forum, Vol. 18, No. 2, 1995, p. 148 .

۲. نصیری، غلامرضا، بهداشت قالیبافان، ۱۳۸۷، قابل دسترس در: ۱۴۰۰/۲/۲۰

<https://www.gums.ac.ir/Upload/Modules/Contents/asset96/bahdast.pdf>.

۳. به نقل از معاونت امور زنان و خانواده قابل دسترس در .

<http://women.gov.ir/fa/news/5481>

۴. چایلی، صمد، فرش مهربان، مجله آذری، شماره ۳۳، تیر ۱۳۹۶، ص ۲۵۴.

قالیبافی اگرچه در لیست مشاغل سخت و زیان‌آور شناسایی نشده است اما مطابق مطالعات انجام‌شده، قالیبافان به دلیل نشستن طولانی‌مدت پشت دارهای قالی و محیط نامناسب تهویه و روشنایی، «اختلالات اسکلتی و عضلانی، مشکلات بینایی، اختلالات عصبی، مشکلات پوستی و ... از انواع اختلالات رایج در بین قالیبافان است»^۱. به خصوص که دختران از همان سن پایین مشغول به قالیبافی می‌شوند و عوارض و پیامدهای جسمانی آن در سن‌های بالا خود را نشان می‌دهد. قالیبافی در دوره‌ی بارداری نیز بین زنان قالیباف شایع است.^۲ «پایین بودن دستمزد، ساعات کار طولانی، شرایط نامطلوب کارگاه قالیبافی از نظر روشنایی، تهویه‌ی نامطلوب و وضعیت ارگونومیکی نامناسب بدن و ابزار کار از جمله مهم‌ترین مشکلات بهداشتی قالیبافان است»^۳ برای مثال، به دلیل تنگ شدن کانال زایمان در لگن خاصره، احتمال سزارین زنان قالیباف چهار برابر بیشتر از زنان غیرقالیباف است.^۴

قابل ذکر است که اصل تفکیک حوزه‌ی عمومی و خصوصی در مورد این گروه از زنان مناقشه‌برانگیز است. آن‌ها به تنهایی یا همراه با همسرانشان در خانه قالی می‌بافند اما در کنار آن خانه‌داری و مراقبت از فرزند را نیز انجام می‌دهند؛ به عبارت دیگر، اگرچه ممکن است شغل شوهران یا پدران آن‌ها قالیبافی باشد اما زنان در کارگاه‌های خانوادگی در کنار قالیبافی، مسئولیت خانه‌داری و مراقبت از فرزندان را نیز مطابق تقسیم‌بندی جنسیتی از پیش موجود، بر عهده دارند. قالیبافی برای زن شغل به حساب نمی‌آید و مسئولیت فروش قالی و هزینه‌ی آن بر عهده مرد به عنوان رئیس خانواده است.^۵

قانون‌گذار در سال ۱۳۸۸ با نسخ ماده واحد قانون بیمه بازنشستگی، فوت و از کارافتادگی بافندگان قالی، قالیچه، گلیم و زیلو مصوب ۱۳۷۶، قانون بیمه‌های اجتماعی قالیبافان، بافندگان فرش و شاغلان صنایع دستی شناسه‌دار (کددار) را تصویب کرد که به موجب

۱. لطیفی، سمیه، حشمت‌الله سعدی و حسین شعبان علی فمی، تحلیل عاملی مشکلات زنان قالیباف روستایی، زن و جامعه، شماره ۱، ۱۳۹۲، ص ۳۷.

2-Alizadeh, T. and Shahla Meedy, "Persian carpet: Who creates the master piece?" Women and Birth, Vol. 26, Supplement 1, S44, 2013

۳. حنفی بجد، محمد و دیگران، بهداشت قالیبافان (بقا)، ۱۳۹۰، قابل دسترس در: (۱۴۰۰/۲/۱۰) <https://www.bums.ac.ir/page-hltnew/fa/22/download/135-G132>

۴. لطیفی، سمیه، حشمت‌الله سعدی و حسین شعبان علی فمی، تحلیل عاملی مشکلات زنان قالیباف روستایی، زن و جامعه، شماره ۱، ۱۳۹۲، ص ۴۲.

۵. لطیفی، سمیه حشمت‌الله سعدی و حسین شعبان علی فمی، ارزیابی نقش تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در توانمندسازی زنان قالیباف؛ مطالعه موردی: استان همدان، جغرافیا و توسعه، شماره ۳، ۱۳۹۳،

ماده یک آن، «استادکاران و کارگران قالی و فرش دستباف بدون کارفرما و با کارفرما، شاغل در کارگاه‌های خانگی تک‌باف قالی و فرش و یا تحت پوشش تعاونی‌های قالی و فرش و مجتمع‌های کوچک و بزرگ مربوطه و همچنین شاغلان صنایع دستی خانگی و غیر آن در گروه‌های مصوب شناسه‌دار (کددار) صنایع دستی ایران که به صورت تمام وقت به مشاغل یادشده اشتغال دارند، تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار می‌گیرند. بیست درصد (۲۰٪) سهم دولت و هفت درصد (۷٪) سهم بیمه‌شده خواهد بود. در صورت وجود کارفرما، با پرداخت سه درصد (۳٪) سهم کارفرما بیمه یادشده شامل بیمه بیکاری نیز خواهد بود.» بنابراین، زنان قالیباف خانگی بدون کارفرما نمی‌توانند از مزایای بیمه بیکاری استفاده کنند.

اگرچه قانون‌گذار تلاش کرده تا از قالیبافان بدون کارفرما از جمله زنان قالیباف کارگاه‌های خانگی حمایت کند اما برخلاف ویژگی ذاتی قانون که باید قطعیت داشته و پیش‌بینی‌پذیر باشد^۱ این قانون معلق نگارش شده است؛ زیرا بار مالی اجرای این قانون مشروط به تأمین اعتبار شده است که ضمانت اجرای قانون را زیر سؤال می‌برد.

همچنین، دیوان عدالت اداری در دو رأی صادره در خصوص بیمه قالیبافان نسبت به این موضوع رویکرد حمایتی داشته است^۲ اما تا به امروز تنها ۲۲۷/۶۳۳ نفر مشمول بیمه قالیبافی شده‌اند و از حمایت‌های سازمان تأمین اجتماعی برخوردار هستند.^۳

گفتار چهارم. تحلیل یافته‌ها

در این قسمت، عواملی که منجر به قرار گرفتن این گروه از زنان در یک موقعیت در حاشیه و آسیب‌پذیر در برابر نظام حقوقی و محرومیت قانونی آن‌ها شده، در چارچوب نظری

۱. راسخ، محمد، ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون، مجلس و پژوهش، شماره ۵۱، ۱۳۸۵، ص ۲۳.

در رای شماره ۱۸۹۹ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۴ هیئت عمومی دیوان استدلال می‌کند که گزارشات بازرسی سازمان تأمین اجتماعی در رابطه با اشتغال به کاری غیر از شغل موضوع قرارداد بیمه قالیبافان صرفاً اماره بوده و خلاف آن قابل اثبات و در نتیجه قابل نقض می‌باشد. همچنین در دادنامه شماره ۱۰۸۳۵/۹۹۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۶/۲۳ هیئت تخصصی دیوان در طرح دعوی از طرف

۲. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به نمایندگی از دولت، رأی به ابطال آیین‌نامه بیمه قالیبافان نداد

۳. به نقل از کارشناس سازمان تأمین اجتماعی استان تهران.

درهم‌تنیدگی و حوزه‌های چهارگانه ماتریس سلطه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بند اول. حوزه‌ی بین‌فردی قدرت: جنسیت و موقعیت نسبتاً امتیاز دار

قالیبافی در کنار این‌که دارای ارزش فرهنگی است، تأمین‌کننده‌ی بخشی از اقتصاد خانوارهای روستایی و عشایری نیز است. به گفته هفگات «بعد از گسترش صنعت فرش، بسیاری از کارگاه‌های قالیبافی از زنان به عنوان کارگر استفاده کردند اما صنعت فرش تبریز علاقه‌مند به استفاده از زنان کارگر نبود. این تبعیض در استخدام باعث شد که بسیاری از زنان قالیباف تبریز در خانه بمانند و قالیبافی یک کار خانگی به حساب بیاید»^۱ بخش بزرگی از زنان قالیباف را زنان روستایی در ایران تشکیل می‌دهند؛ به عبارت دیگر، نوع قالی‌هایی نیز که در ایران بافته می‌شود ریشه در سبک زندگی روستایی و عشایری دارد.^۲ البته، با موج مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ و سکونت آن‌ها در حاشیه شهرهای بزرگ، قالیبافی در مناطق حاشیه‌نشین شهرهای بزرگی مانند تبریز بسیار رایج است.

با توجه به همین موضوع، فقر و بی‌سوادی از اصلی‌ترین دلایل عدم دسترسی این گروه از زنان به بیمه است. لایلا، ۴۵ ساله، بی‌سواد و دارای همسر معتاد با سه فرزند دلیل اصلی عدم پوشش بیمه قالیبافی خود را این‌چنین می‌گوید:

«من سواد ندارم. هیچ کجای شهر را بلد نیستم، هر جا می‌روم پسرانم می‌برند. می‌گویند که باید امتحان بدهم، من اصلاً خواندن نوشتن نمی‌دانم. این جور کارها آدم باسواد می‌خواد که برود در اداره‌ها.»

علاوه بر بی‌سوادی کامل برخی از زنان قالیباف که آن‌ها را از دسترسی به تأمین اجتماعی محروم می‌کند، مشکل زبانی حتی بین زنان کم‌سواد متعلق به اقلیت‌های قومی مشکل‌ساز است، مخصوصاً اگر این زنان در سایر شهرها مهاجر باشند؛ زیرا زبان رسمی و اداری کشور فارسی است و تکلم‌کنندگان به زبان مادری حتی اگر تحصیلات ابتدایی داشته باشند، به دلیل عدم تسلط به زبان اداری رسمی دچار کمبود اعتماد به نفس شده و کمتر در حوزه عمومی حضور می‌یابند. مریم جوان‌ترین مصاحبه‌شونده که دارای مدرک دیپلم است، فقر و بی‌پولی را مانع بیمه شدن خود می‌داند:

1-Helfgott, L. M. Ties that bind: A social history of the Iranian carpet. Smithsonian Institution Press, 1994, pp. 238-239.

2-See: Edwards, A. C. The Persian carpet: a survey of the carpet-weaving industry of Persia (Reprinted 1952 ed.). London: Duckworth, 1975.

«من خیلی دوست داشتم که خودم را بیمه کنم و بعداً بازنشسته شده و حقوق بگیرم و به شوهرم وابسته نباشم. وقتی گواهی مهارت را گرفتم به تأمین اجتماعی رفتم اما گفتند که دولت دیگر بیمه نمی‌کند. یک کارمند مردی آن‌جا بود که به من گفت ۵ میلیون تومان بده پرونده‌ات را حل کنم اما ما چنین پولی نداشتیم شوهرم خودش کارگر است...»

یکی دیگر از بیمه‌شدگان نیز یک سال پس از بیمه شدن به دلیل عدم توانایی در پرداخت حق بیمه از لیست بیمه خارج می‌شود، این در حالی است که حق بیمه مطابق قانون بیست درصد (۲۰٪) سهم دولت و هفت درصد (۷٪) سهم بیمه‌شده خواهد بود و مقدار آن نسبت به بیمه آزاد خویش‌فرما بسیار کمتر است اما هیچ سازوکاری برای زنانی که ناتوان از پرداخت این حق بیمه هستند پیش‌بینی نشده و برعکس ضمانت اجرا در صورت عدم پرداخت سه ماهه بیمه وجود دارد که منجر به لغو بیمه‌گذار می‌شود.

علاوه بر موانعی مانند فقر یا عدم استقلالی مالی زن و بی‌سواد یا کم‌سوادی و مانع زنانی، وابستگی اطلاعاتی این زنان به شوهران یا پدران خود نیز از عوامل دیگر عدم دسترسی به بیمه است. زهرا که در خانه قالی می‌بافد و همسرش آخوند و معلم مدرسه است، در این باره می‌گوید:

«من از زن‌های همسایه شنیدم و وقتی به شوهرم گفتم او عصبانی شد و گفت که من خرجی تو را می‌دهم و بیمه هم دارم چه نیازی به بیمه تو داریم و شرعاً بر تو واجب نیست که درآمد داشته باشی و من آن قدر غیرت دارم که نگذارم زخم در اداره‌ها با مردهای نامحرم سروکله بزنند.»

هنجارهای نظام مردسالارانه و سلطه شوهر بر زن می‌تواند با دلایل مختلفی مشروع‌سازی شود و یکی از این مبانی موجه، تکیه بر شرع و مذهب است؛ به گونه‌ای که علی‌رغم آن‌که تصویب چنین قانونی از طرف نظام حقوقی است که قانون آن مبتنی بر فقه است اما همین قوانین نیز ممکن است در اجرا با استدلال‌های مبتنی بر تفسیرهای فقهی متفاوتی روبه‌رو شوند. این در حالی است که مطابق شرع اموال و دارایی‌های زنان متعلق به خودشان است اما درآمدهای حاصل از قالی‌هایی که زهرا می‌بافد، توسط شوهرش کنترل و اداره می‌شود. از آنجایی که این گروه از مصاحبه‌شوندگان دسترسی به منابع اطلاعاتی دقیق و درست

نداشته و خودشان نیز دانشی در این حوزه ندارند، تمامی اطلاعات منتقل شده به آن‌ها توسط شوهرانشان بدون آن‌که توسط خودشان تجزیه و تحلیل شود، پذیرفته می‌شود؛ برای مثال، راضیه که با بیماری سرطان پستان نیز مواجه است، اصلاً تلاشی برای بیمه کردن خود نکرده است؛ زیرا شوهرش گفته است که «اگر تو هم بیمه شوی، بیمه من را قطع خواهند کند. همچنین، اگر تو در اثر این بیماری بمیری تأمین اجتماعی به من و سایر وراث حقوقی پرداخت نخواهد کرد. چون حق بیمه زن به ارث نمی‌رسد و برای همین دلیلی ندارد که ما الآن به جیب دولت پول بریزیم.»

علاوه بر عدم دسترسی به اطلاعات توسط زنان، کمبود اطلاعات حقوقی و عدم دسترسی به مشاوره حقوقی از دیگر موانعی است که منجر به عدم دسترسی این زنان به بیمه می‌شود. زبان سخت حقوقی و قوانین و مقررات پراکنده حوزه بیمه‌پردازی منجر به آن می‌شود که مردم عادی آگاهی کافی از مقررات بیمه‌ای نداشته باشند و تفاسیر متفاوت و دلخواه از آن انجام دهند.

یکی دیگر از موضوعات مربوط که در بین مصاحبه‌شوندگان نیز تکرار می‌شود و نگارندگان نام آن را نابرابری در روابط بین فردی یا درون‌گروهی می‌گذارند و پیامدهای بسیار جدی نیز داشته است، دسترسی زنان نسبتاً امتیازدار به بیمه‌قالیبافی است، اگرچه به صورت رسمی و تمام وقت به قالیبافی مشغول نیستند. به نظر می‌رسد که سیاست بیمه کردن قالیبافان از سوی نظام حقوقی ایران بستگی به شرایط اقتصادی این کشور نیز داشته است؛ زیرا فرش از مهم‌ترین منابع ارزآوری این کشور بعد از نفت و گاز است و تعداد قالیبافان در ایران در سال‌های اخیر کاهش داشته و از سوی دیگر «به تدریج ایران به دلیل تحریم‌های اقتصادی و سایر عوامل قدرت رقابت خود در بازار جهانی فرش را از دست می‌دهد.»^۱ به همین دلیل برای تشویق افراد به قالیبافی تلاش شد این گروه اجتماعی تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار گیرد اما از آنجایی که سهم عمده بر عهده دولت است و دولت برای تأمین بودجه و منبع مالی آن محدودیت دارد، نتوانست همه‌ی این زنان خانه‌دار قالیباف را تحت پوشش قرار دهد و همین موجب رقابت بین زنان خانه‌دار طبقه‌ی پایین برای دسترسی به بیمه شد و در این بین، زنان خانه‌دار واقعاً قالیباف که از نظر دسترسی به منابع و امکانات در وضعیت مناسبی قرار نداشتند، توسط زنان نسبتاً امتیازدار به حاشیه

1-Golmeymi, M., M. Mirvaysi and B. Maleki and Z. Aliabadi. "An empirical study on the effect of WTO membership on Iranian Handicraft industry: A case study of Persian carpet." *Management Science Letters*, Vol. 3, No. 5, 2013, pp. 1375-1380.

رانده شدند؛ به عبارت دیگر، از آنجایی که همه‌ی قالیبافان ایران به دلیل محدودیت‌های بودجه‌ای دولت نمی‌توانستند مشمول بیمه شوند و همه‌ی زنان قالیباف نیز در یک موقعیت یکسان برای برخورداری از این حق نبودند، در این مسابقه تنها زنانی پیروز شدند که در موقعیت ممتازتری در مقایسه با سایر زنان قالیباف از جمله گروه مصاحبه‌شوندگان این تحقیق قرار داشتند. مرضیه در این مورد می‌گوید:

«دخترعموی من دیپلم و خانه‌دار است اما در خانه قالی نمی‌بافد. او خیلی زرنگ بود و خودش را بیمه کرد الآن هم در خانه‌اش یک دار قالی گذاشته تا وقتی بازرسان تأمین اجتماعی برای سرکشی آمدند تظاهر کند که قالی می‌بافد.»

در سال ۱۳۹۱ سازمان تأمین اجتماعی نام ۱۵۰ هزار نفر از بیمه‌شدگان قالیبافی را از لیست تأمین اجتماعی خارج کرد؛^۱ زیرا آن‌ها به ادعای این سازمان قالیباف واقعی نبود و همچنین حق بیمه پرداختی آن‌ها در سال‌های گذشته به آن‌ها عودت داده نشد و تنها می‌توانستند برای وجوه پرداختی وضعیت خود را از اخراج‌شده سازمان به بیمه آزاد خویش فرما تبدیل کنند و وجوه پرداختی سابق مطابق بیمه جدید معادل‌سازی شود و سازوکار قانونی برای دادخواهی این افراد پیش‌بینی نشده است. اگرچه در عملکرد سازمان و فرایند حذف بیمه‌شدگان موارد ابهامی از طرف اتحادیه قالیبافان از جمله امکان بزرگنمایی و غرض‌ورزی سازمان مطرح شده است اما این واقعیت قابل انکار نیست که موارد فراوان بیمه قالیبافی زنان غیرقالیباف وجود دارد؛ زیرا سازوکار قانونی طراحی شده برای اجرای این قانون که در قسمت‌های بعدی بدان می‌پردازیم این امکان را به وجود آورد. قالیبافی شغلی نیست که به مواد اولیه زیاد یا هزینه زیاد برای شروع نیاز داشته باشد و همچنین آزمون قالیبافی مهارتی نیست که نیاز به تخصص داشته باشد و برای مثال کمتر زنی در تبریز پیدا می‌شود که هیچ آشنایی با قالیبافی نداشته باشد. از همین رو، زنان با سواد و امکانات بیشتر و همچنین با دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، موفق به دریافت بیمه قالیبافی شده‌اند و همین موضوع بهانه‌ای در دست دولت و سازمان تأمین اجتماعی شد که از سال ۱۳۹۲ طرح بیمه قالیبافان را متوقف کند و در چند سال گذشته هیچ قالیبافی بیمه نشده است؛ بنابراین، نکته آن است که توجه کنیم چگونه تفاوت درون‌گروهی و موقعیت‌های برتر نسبی برخی زنان منجر به محرومیت و به حاشیه رانده شدن زنان دیگر با بیش‌ترین محرومیت می‌شود، اگرچه هدف اصلی قانون‌گذار نیز قرار بگیرند.

۱. به نقل از مدیرعامل اتحادیه سراسری تولیدکنندگان فرش دستباف قابل دسترس در :

بند دوم. حوزه انضباطی قدرت: تقاطع جنسیت و سن

اگرچه قالبیابی در ابتدا جزئی از کار خانگی و با هدف مصارف خانگی بود اما کم‌کم تبدیل به بازارهای کوچک و محلی شد و به تدریج قالبیابی نه تنها در کارگاه‌های تجاری بلکه در کارگاه‌های خانگی نیز مورد تنظیم‌گری دولت قرار گرفته است. اتحادیه قالبیابان به عنوان یک نهاد مستقل غیردولتی به دنبال دفاع از حقوق قالبیابان مانند پرداخت عادلانه، امکانات و بیمه است. نتیجه‌ی یک تحقیق نشان می‌دهد که زنان قالبیابی که عضو این اتحادیه هستند، نسبت به زنانی که عضو نیستند در شرایط بهتری قرار دارند.^۱ مرکز ملی فرش ایران مستقل از تمام دستگاه‌های دولتی مسئولیت تمامی امور مربوط به سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت، هدایت و حمایت صنعت فرش دستباف، امور تحقیقاتی و پژوهشی مربوط به آن و تهیه‌ی ضوابط و الزامات فنی تولید و صادرات و اقدامات حمایتی مربوط به آن را بر عهده دارد. از همین رو، اگر زنان قالبیاب می‌خواهند از حقوق و منافع جمعی مربوط به حوزه تنظیمی فرش برخوردار شوند، نمی‌توانند مثل سابق و هرگونه که دلشان می‌خواهد و با هر طرح و نقشه‌ای و در هر ابعاد قالبی بیابند؛ بلکه اولاً باید از دولت گواهی مهارت بگیرند. دوم متناسب با نیازهای بازار قالبی بیابند.

مطابق آیین‌نامه اجرایی قانون قالبیابی مصوب ۱۳۸۸، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور موظف است بر اساس پیشنهاد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری اعتبار لازم برای اجرای قانون در سال ۱۳۸۹ و بعد از آن را در لوایح بودجه‌ی سالانه پیش‌بینی نماید. اجرای این آیین‌نامه در سال ۱۳۸۹ و بعد از آن منوط به تأمین اعتبار در قوانین بودجه‌ی سالانه کشور است و سازمان تأمین اجتماعی متناسب با اعتبار پیش‌بینی شده و متناسب با تعداد افراد معرفی شده توسط وزارت بازرگانی و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری موظف به بیمه نمودن مشمولان می‌باشد. با توجه به حجم بدهی‌های دولت به تأمین اجتماعی و وضعیت اقتصادی و کسری بودجه، تأمین چنین اعتباری در اولویت دولت نبوده است. همچنین، یکی از موارد بارز تبعیض در اجرای آیین‌نامه این قانون، ایجاد محدودیت سنی ۵۰ سال است که تبعیض ناروایی برای زنان قالبیاب بر مبنای سن قائل شده است. قالبیابی عوارض جسمانی و روحی دارد که زنان با سابقه طولانی قالبیابی را در اولویت دسترسی به بیمه و حقوق

۱. لطیفی، سمیه حشمت‌الله سعدی و حسین شعبان علی فمی، ارزیابی نقش تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در...

توانمندسازی زنان قالبیاب؛ مطالعه موردی: استان همدان، جغرافیا و توسعه، شماره ۳، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹.

بازنشستگی قرار می‌دهد؛ زیرا آسیب‌پذیرترند. رقیه که ۶۱ سال دارد و دارای ۷ فرزند بوده و در ۱۲ سالگی حتی قبل از شروع عادت ماهانه ازدواج کرده و هم در خانه پدر و هم خانه شوهر انواع قالی و گلیم و ورنی بافته است، در این باره می‌گوید:

«چند سال پیش برای بیمه شدن اداره رفتم اما آن‌ها به من گفتند که مادر شما پیرتر از آن هستید که بیمه شوید و سننات گذشته است. باید پول زیادی یکجا می‌دادم و ما چنین پولی نداشتیم و کسی را هم نداشتیم که قرض کنیم.»

سن بازنشستگی در ایران برای زنان داشتن ۵۵ سال سن یا ۳۰ سال سابقه کار است. به موجب ماده ۷ این آیین‌نامه، حداقل سن افراد واجد شرایط برای انعقاد قرارداد بیمه موضوع این آیین‌نامه، پانزده سال و حداکثر پنجاه سال تمام است و شرایط لازم برای بیمه متقاضیانی که بیش از پنجاه سال سن دارند به شرح زیر است:

الف. در زمان تقاضا سن آنان بیش از پنجاه و پنج سال نباشد.

ب. حق بیمه مازاد را یکجا پردازد.

پ. بین پذیرش تقاضا توسط سازمان تأمین اجتماعی و پرداخت یکجا بیش از یک ماه فاصله نباشد.

ت. هر فرد می‌تواند یک بار متقاضی استفاده از امکان پرداخت یکجا شود.

اعمال هر کدام از این شرایط تعدادی از زنان قالیباف مانند رقیه را به صورت اختیاری یا اجباری مستثنا می‌کند.

پس از اجرای ناموفق قانون بیمه قالیبافی در پوشش بیمه‌ای قالیبافان کشور و متوقف شدن آن به دلیل عدم تأمین بودجه‌ای، در سال ۱۳۹۷ تفاهم‌نامه‌ای بین مرکز ملی فرش ایران و صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر منعقد شد و دستورالعمل اجرایی برای آن مقرر شده است؛^۱ در نتیجه، در وضعیت فعلی قالیبافان تحت پوشش دو نظام بیمه‌ای متفاوت هستند که منجر به اعمال تبعیض می‌شود. از سوی دیگر، در سال ۱۳۹۶، طرح حمایت از هنرمندان و استادکاران صنایع دستی تبدیل به قانون شد که مجدداً در این قانون موضوع بیمه قالیبافان مطرح می‌شود. این قانون بار دیگر بر تکلیف دولت در اجرای قانون بیمه اجتماعی قالیبافان سال ۱۳۸۸ تأکید می‌کند (ماده ۲). این قانون تلاش می‌کند بر

۱. دستورالعمل اجرایی بهره‌مندی قالیبافان و حرف مرتبط با فرش دستیاف از مزایا و تعهدات بلندمدت بیمه اجتماعی در صندوق

بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر سال ۱۳۹۷ به موجب بند ۲-۶ ماده ۶ تفاهم‌نامه شماره ۹۷/۱۷۲۳۳

مشکلات عملی ناشی از اجرای این قانون به ویژه قطع بیمه قالیبافان توسط سازمان تأمین اجتماعی راه حلی بیابد. تبصره ماده ۲ مقرر می‌کند: «در اجرای این قانون، عدم حضور در ساعت معین در محل کار نمی‌تواند در خصوص فرش و قالی مبنای قطع بیمه قرار گیرد و ارزیابی توسط بازرسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری صرفاً بر اساس مساحت مذکور در ماده (۲) قانون یادشده انجام می‌گیرد.» این قانون صلاحیت‌هایی برای سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و وزارت صنعت، معدن و تجارت تعیین می‌کند که می‌تواند در تعارض با صلاحیت‌های مرکز ملی فرش ایران و سازمان تأمین اجتماعی باشد.

بند سوم. حوزه فرهنگی قدرت: نمایندگی زنان

علی‌رغم آن‌که فرش یک تجارت پرسود است و فرش ایرانی نیز در بازارهای داخلی و جهانی از جایگاه مناسبی برخوردار است، پس چرا قالیبافان از فقر در رنج هستند؟ به این پرسش می‌توان پاسخ‌های متعددی داد که در ارتباط با همدیگر نیز قرار می‌گیرند. به میزانی که آموزش عمومی بین این گروه از زنان قالیباف کم‌تر رایج است، زنان بیش‌تر محدود به فضای خانه شده و کم‌تر در عرصه‌ی عمومی حضور می‌یابند. همچنین، فرهنگ مردسالارانه در تقویت سایر نظام‌های سلطه نقش زنان قالیباف را از حوزه‌ی عمومی فرش خارج کرده و آن‌ها را محدود به کنج دارهای قالی می‌کند. تمامی مصاحبه‌شوندگان هیچ‌وقت بازار فرش تبریز (تیجچه مظفریه) را از نزدیک ندیده‌اند. بازار فرش تبریز یکی از مهم‌ترین قسمت‌های بزرگ‌ترین بازار سرپوشیده جهان است که کم‌تر زنان در آن رفت‌وآمد می‌کنند. فاطمه درباره‌ی نحوه‌ی فروش قالی‌هایش می‌گوید:

«آقای (همسر) من دوست ندارد که من به بازار بروم تا الآن هیچ‌وقت بازار نرفتم. همه چیز را خودش می‌خرد و هر روز برای من پول نان می‌گذارد. تابلو فرش را هم که تمام می‌کنم خودش می‌برد بازار و می‌فروشد و خرجمان می‌کند.»

او در پاسخ به این سؤال که این قالی‌ها حاصل زحمات او است و چرا شوهرش به هر قیمتی که می‌خواهد آن‌ها را می‌فروشد، می‌گوید:

«آخه بازار که جای زن نیست. آقام می گوید این امر پیغمبر است که زن اگر بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود گناه است چه برسد برود بازار که مردها دستمالی اش کنند. بازار جای زن های سالم نیست. تازه زن جماعت که از دادوستد سر در نمی آورد.»

یک ضربالمثل خیلی قدیمی در تبریز وجود دارد که می گوید: «زن جماعت به بازار نمی رود». اگرچه، در سال های اخیر حضور زنان در بازار سنتی تبریز افزایش یافته اما بازار فرش تبریز کاملاً در دست مردان و دلان است. تاجران فرش در تبریز یک طبقه ی مرفه هستند که معمولاً خرده پاهایی دارند که قالی ها را از مناطق روستایی و حاشیه نشین تبریز جمع می کنند. در قسمت بازار فرش تبریز چندین مسجد وجود دارد. ارتباط تاریخی بین مسجد و بازار از جمله تیمچه های مربوط به دادوستد فرش در طول تاریخ و وقوع حوادث تاریخی نیز قابل مشاهده است.^۱ عرف قشر بازاری مانند اجازه ندادن به زنان برای حضور در بازار حتی برای خرید با احکام فقهی مانند آن که زن اجازه ندارد بدون اجازه ی شوهر از خانه خارج شود، تقویت می شود؛ بنابراین، اعتقاد به فرامین مذهبی از یک سو و تمکین یا باور به عرف مردسالار شهر تبریز این گروه از زنان را در موقعیتی قرار می دهد که در خانه احساس امنیت کنند.

علاوه بر این تبعیض های درون گروهی، در سطح بزرگ تر و در فرهنگ مسلط برون گروهی نیز شناخته شدن زنان قالیباف به عنوان زنان هنرمند، حذف این زنان را از بازار و اقتصاد فرش تسریع می بخشد؛ برای مثال، زنان قالیباف در تبریز یا سایر مناطق کشور در سطح ملی و به ویژه در رسانه ها به عنوان زنانی هنرمند و نماد هنر و زیبایی بازنمایی می شوند بدون توجه به این موضوع که قالیبافی چگونه زندگی آن ها را تحت تأثیر قرار داده است.

بند چهارم. حوزه ی ساختاری قدرت: از بحران داخلی تا بین المللی

ارزش صادرات فرش دستباف ایران در سال ۱۳۹۸ معادل ۷۰/۵ میلیون دلار و برای سال ۱۳۹۷ معادل ۲۳۸/۴ میلیون دلار بوده است. این آمار مرکز ملی فرش ایران نشان دهنده ی کاهش رشد ارزشی نسبت به سال ۱۳۹۷ به میزان منفی ۷۰ درصد است.^۲ همچنین، در سال

۱. برای اطلاعات بیشتر در این مورد ر. ک.

اشرف، احمد و علی بنوعزیزی، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۸۷
۲. نیکو، کاملیا، بررسی وضعیت صادرات فرش دستباف ایران در ۱۳۹۸ و مقایسه آن با ۱۳۹۷، مرکز ملی فرش ایران، ۱۳۹۸

۱۳۹۶ ارزش صادرات فرش دستباف ایران ۴۲۶/۲۲۵ میلیون دلار بوده که ایالات متحده آمریکا با ۱۲۵/۶۴۲ میلیون دلار رتبه اول واردات فرش ایرانی را به خود اختصاص داده بود^۱ که نسبت به سال ۱۳۹۸ کاهش رشد ارزشی منفی ۸۳ درصد را تجربه کرده است. دلیل این افت بسیار بزرگ تنها یک دلیل اساسی داشت و آن خروج دولت آمریکا از برجام و اعمال شدیدترین تحریم‌ها علیه ایران بوده است به گونه‌ای که نه تنها میزان صادرات فرش ایران به بازار آمریکا به صفر رسید، بلکه بر سایر بازارهای فرش ایران در دنیا تأثیر گذاشت؛ بنابراین، تصمیم رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر خروج از برجام و تحریم‌های اقتصادی بر دسترسی این زنان قالیباف به بیمه تأثیر گذاشت؛ زیرا وضعیت نابسامان اقتصادی فارغ از آن که نقش تحریم‌ها به چه اندازه مؤثر باشد، علاوه بر آن که زندگی اقشار ضعیف مانند قالیبافان را به شدت تحت تأثیر قرار داد، سهم بیمه آن‌ها نیز از لویج بودجه حذف شد؛ زیرا دولت ایران نه تنها قادر به صادرات نفت نیست بلکه صادرات محصولات غیرنفتی از جمله فرش نیز به حداقل رسید و دولت با کسری بودجه مواجه بوده و نتوانست سهم ۲۰ درصدی خود را به عنوان جایگزین کارفرما پرداخت کند؛ به عبارت دیگر، در چهل سال گذشته سیاست خارجی ایران در ارتباط با آمریکا نقشی مؤثر بر وضعیت زنان قالیباف داشته است؛ زیرا آمریکا یکی از بزرگ‌ترین بازارهای فرش ایرانی است؛ بنابراین، ایدئولوژی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی، بازیگران قدرت منطقه‌ای، ساختار نابرابر روابط بین‌المللی و حقوق بین‌الملل می‌توانند زندگی یک زن قالیباف در یک روستای دورافتاده در ایران و همچنین آینده صنعت فرش به عنوان یک میراث فرهنگی بشری را تحت تأثیر قرار دهد.

همچنین، یکی دیگر از عوامل عدم دسترسی این گروه از زنان قالیباف به بیمه، نظام پیچیده و غیرشفاف مجوزدهی است که در نظام حقوقی ایران پیش‌بینی شده و شامل زنان قالیباف نیز می‌شود. مطابق فرایند اداری تعریف‌شده برای اجرای قانون بیمه قالیبافی، وزارت رفاه و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مکلف بودند نسبت به شناسایی و معرفی مشمولان به سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور اقدام نمایند. پس از آن، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور موظف بود مهارت فنی معرفی‌شدگان و متقاضیان را بررسی و ظرف یک ماه پس از وصول معرفی‌نامه نسبت به صدور کارت مهارت فنی آنان اقدام نماید و بهره‌مندی افراد موضوع این قانون، منوط به ارائه‌ی کارت مهارت فنی توسط سازمان یادشده می‌باشد و همچنین اتحادیه‌ها و تشکل‌های مرتبط دارای مجوز از دستگاه‌های

۱. سامانه اطلاع‌رسانی مرکز ملی فرش ایران قابل دسترس در :

<https://www.incc.ir/%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%88-%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%A7%D8%AA>

موضوع این ماده می‌توانند نسبت به معرفی واجدان شرایط به سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور اقدام نمایند. به گفته‌ی رئیس مرکز ملی فرش ایران، «برخی از اتحادیه‌های فرش دستباف که مجوز صدور کارت شناسایی قالیبافی را دارند، دقت لازم را نداشتند و برخی از آن‌ها اقدام به فروش این کارت کرده‌اند که موجب انحراف ۴۰ درصدی در اجرای بیمه قالیبافی شده است»^۱ در این بین آموزشگاه‌های فنی حرفه‌ای با تشویق افراد به قالیبافی با هدف صدور مجوز مهارت فنی قالیبافی با هدف درآمدزایی برای خود نیز در این فرآیند نقش داشتند. این فرآیند پیچیده‌ی مجوزدهی که سازوکارهای نظارتی نیز برای آن تعیین نشده بود، منجر به سوءاستفاده از صلاحیت شد؛ زیرا «صدور مجوز و نظام مجوزدهی یکی از منابع مهم درآمدزایی و همچنین فساد و تبانی در نهادهای دولتی است»^۲

۱. به نقل از وبسایت رسمی مرکز ملی فرش ایران قابل دسترس در :

<https://www.incc.ir/recall/IDincc/795/40>

۲. مرکز مالیر، احمد، موانع تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار در ایران: گزارش نظارتی عملکرد هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل

۱۶۴۶۰، ۱۳۹۸، ص ۴۱

نتیجه گیری

پیش‌انگاره‌ی این مقاله بر آن بود که در تجارب عینی محرومیت، برای مثال تحت تبعیض بودن به عنوان یک زن همیشه در ارتباط با سایر مقوله‌های اجتماعی (قومیت، طبقه اجتماعی، وضعیت معلولیت، سن، وضعیت مهاجرت، جغرافیا و ...) ساخته شده و درهم آمیخته هستند. این موضوع که چگونه جنسیت در ارتباط با محل، طبقه و سن در زندگی این گروه از زنان قالیباف نقش ایفا کرده تا از دسترسی به منابع حقوقی مانند بیمه‌ی اجتماعی علی‌رغم نیاز ضروری محروم بمانند؛ در نتیجه، برخلاف همسان‌سازی و یک‌دست گرفتن قانون‌گذار در شناسایی گروه قالیبافان بدون کارفرما، این گروه دارای هویت واحد نبوده بلکه در موقعیت‌های مختلفی قرار گرفته‌اند که میزان دسترسی آن‌ها به قانون حمایتی را متغیر می‌کند. درهم‌تنیدگی کمک می‌کند که موقعیت در حاشیه‌ی برخی از قالیبافان از جمله این گروه از زنان قالیباف از منظر نظام حقوقی نادیده گرفته نشود. جبران این نوع از نابرابری‌های پیچیده و درهم‌تنیده در گرو نزدیکی بیش‌تر نظام حقوق کار با واقعیت‌های اجتماعی است. ما بر این مطالعه‌ی موردی تجربی تمرکز کردیم تا استدلال کنیم که اولاً، اگرچه حقوق کار ایران اصل برابری جنسیتی را صراحتاً به رسمیت نشناخته است اما این ضرورتاً به این معنا نیست که همه‌ی سیاست‌ها، تقنین و مقررات‌گذاری‌ها منجر به ایجاد یا گسترش سلطه و تبعیض علیه زنان می‌شود اما نکته آن است که زمانی که نظام حقوقی تلاش می‌کند گامی در جهت تضمین حقی مانند دسترسی به بیمه برای یک گروه در حاشیه مانند مورد مطالعه ما بردارد، به دلیل عدم وجود رویکرد درهم‌تنیده و تبعیض ساختاری نهادینه شده ناکام می‌ماند. این زنان تحت پوشش و حمایت قانون کار نیستند؛ زیرا به موجب ماده ۲ قانون کار، کارگر کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق‌السعی اعم از مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می‌کند. از سوی دیگر، سازوکار قانونی مناسب برای شناسایی و تضمین دسترسی زنان قالیباف خانگی به حقوق کار پیش‌بینی نشده تا از حداقل استانداردهای کار شایسته برخوردار باشند. از این رو، اصلاحات و بهره‌مندی جزئی مانند قانون بیمه قالیبافان به دلیل در حاشیه بودن این زنان از منظر حقوق کار، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید؛ زیرا نیاز به رویکرد جامع‌تری وجود دارد که موقعیت خاص و درهم‌تنیده‌ی این نوع گروه‌ها در مرکز توجه حقوق قرار بگیرد.

به طور خاص در خصوص بیمه اجتماعی، قانون‌گذار و مجریان قانون می‌توانند با در پیش‌گیری سیاست ذات‌گرایی استراتژیک به جای ذات‌گرایی مطلق، ابتدا جامعه‌ی هدف قانون حمایتی را که قالیبافان هستند، مشخص کنند اما تفاوت‌های بین آن‌ها در هر زمینه را تعیین کرده و با توجه به همان زمینه و شرایط و درهم‌تنیدگی هویت و موقعیت قالیبافان، نظام بیمه‌ای چندلایه، متناسب، عادلانه و کارآمد طراحی نماید؛ برای مثال، قانون‌گذار می‌تواند با سطح‌بندی و گروه‌بندی متفاوت قالیبافان برخوردار از بیمه قالیبافی یا داوطلبان آن با توجه به جنسیت، سن، درآمد، وضعیت شغلی، سطح مهارت و ... پرداخت حق بیمه و سایر مزایا توسط خود بیمه‌گذار و سهم کارفرمایی دولت را سیال و متغیر کند؛ برای مثال، با توجه به آزمون وسع و اطلاعات موجود در پایگاه ملی رفاه ایرانیان، بافندگان ساده در روستاهای مناطق محروم در دهک‌های اول درآمدی از سهم ۲۰ درصدی کارفرمایی دولت برخوردار شوند اما قالیبافان استادکار دارای کارگاه در دهک‌های بالاتر از سهم کمتر دولت مانند ۱۰ درصد برخوردار شوند اما تعداد افراد تحت پوشش افزایش یابد.

فهرست منابع فارسی

الف. کتاب‌ها

۱. استوارسنگری، کوروش، **حقوق تأمین اجتماعی**، چاپ سوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۲. اشرف، احمد و علی بنوعیزی، **طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران**، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نشر نیلوفر، ۱۳۸۷.
۳. خنیفر، حسین و ناهید مسلمی، **اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی**، جلد اول، تهران: نگاه دانش، ۱۳۹۷.
۴. ساروخانی، باقر، **اصول پایه در تدوین نظام تأمین اجتماعی**، تهران: مؤسسه عالی پژوهش‌های تأمین اجتماعی، ۱۳۷۸.
۵. صادقی حقیقی، دیدخت، نسرين مصفا و فریده شایگان، **راهنمای سازمان ملل متحد: موسسات تخصصی و وابسته و رابطه جمهوری اسلامی ایران با آن‌ها**، تهران: نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
۶. عراقی، عزت‌الله، حسن بادینی و مهدی شهابی، **درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی: نقد قانون تأمین اجتماعی ایران بر اساس مطالعه تطبیقی**، تهران: مؤسسه عالی پژوهش‌های تأمین اجتماعی، ۱۳۸۶.
۷. عراقی، عزت‌الله، **حقوق کار**، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.

ب. مقاله‌ها

۸. چایلی، صمد، **فرش مهربان**، مجله آذری، شماره ۳۳، تیر ۱۳۹۶.
۹. دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهش اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، **آسیب‌شناسی سیاست‌ها و مقررات بازار کار ایران (شناخت وضع موجود بازار کار با تأکید بر تفاوت‌های استانی)**، کد موضوعی ۲۲۰ و شماره مسلسل ۱۵۶۰۵، ۱۳۹۶.
۱۰. راستگو، الهه، **شناخت بازار کار و نیازهای امروزی کشور**، اقتصاد، کار و جامعه، شماره ۳۷، ۱۳۷۹.
۱۱. راسخ، محمد، **ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون**، مجلس و پژوهش، شماره ۵۱، ۱۳۸۵.

۱۲. لطیفی، سمیه حشمت‌الله سعدی و حسین شعبان علی فمی، ارزیابی نقش تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در توانمندسازی زنان قالیباف؛ مطالعه موردی: استان همدان، جغرافیا و توسعه، شماره ۳، ۱۳۹۳.
۱۳. لطیفی، سمیه، حشمت‌الله سعدی و حسین شعبان علی فمی، تحلیل عاملی مشکلات زنان قالیباف روستایی، زن و جامعه، شماره ۱، ۱۳۹۲.
۱۴. مرکز‌المیر، احمد، موانع تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار در ایران: گزارش نظارتی عملکرد هیئت مقررات‌زدایی و تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۶۴۶۰، ۱۳۹۸.
۱۵. نیکو، کاملیا، بررسی وضعیت صادرات فرش دستباف ایران در ۱۳۹۸ و مقایسه آن با ۱۳۹۷، مرکز ملی فرش ایران، ۱۳۹۸.

ج. منابع الکترونیک

۱۶. حنفی بجد، محمد و دیگران، بهداشت قالیبافان (بقا)، ۱۳۹۰، قابل دسترس در: (۱۴۰۰/۲/۱۰)
- <https://www.bums.ac.ir/page-hltnew/fa/22/download/135-G132>
۱۷. مرکز آمار ایران، بررسی شاخص‌های عمده‌ی بازار کار در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵، ۱۳۹۵، قابل دسترس در: (۱۴۰۰/۲/۲۲)
- <https://www.amar.org.ir/Portals/0/News/1396/shbkar.pdf>
۱۸. معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، تحلیل وضعیت شاخص‌های جنسیتی در ایران، ۱۳۹۵، قابل دسترس در: (۱۴۰۰/۲/۳۰)
- <http://women.gov.ir/uploads/images/gallery/ejtemaee/mostanad/tahlil.pdf>
۱۹. نصیری، غلامرضا، بهداشت قالیبافان، ۱۳۸۷، قابل دسترس در: (۱۴۰۰/۲/۲۰)
- <https://www.gums.ac.ir/Upload/Modules/Contents/asset96/bahdast.pdf>

منابع انگلیسی:

Books

- 17-Bourdieu, P. The logic of practice. Stanford university press, 1990
- 18-Brah, A. Cartographies of diaspora: Contesting identities. New York: Routledge, 2005
- 19-Collins, P. H. Black feminist thought: Knowledge, consciousness, and the politics of empowerment. New York: Routledge, 2000

- 20-Collins, Patricia Hill and Sirma Bilge. Intersectionality. John Wiley & Sons, 2020
- 21-Edwards, A. C. The Persian carpet: a survey of the carpet-weaving industry of Persia .(Reprinted 1952 ed.). London: Duckworth, 1975
- 22-Helfgott, L. M. Ties that bind: A social history of the Iranian carpet. Smithsonian .Institution Press,1994

Articles

- 23-Alizadeh, T. and Shahla Meedya, "Persian carpet: Who creates the master piece?" .Women and Birth, Vol. 26, Supplement 1, S44, 2013
- 24-Cho, S. "Post-intersectionality." Du Bois Review 10, No. 2, 2013
- 25-Crenshaw, K. "Demarginalizing the intersection of race and sex." Chi. Legal F 139, .1989
- 26-DeVoe, D. "Gender issues range from salary disparities to harassment." InfoWorld .Vol. 21, No. 44, 1999, pp.78-79
- 27-Dhamoon, R. K. "Considerations on mainstreaming intersectionality." Political Re- search Quarterly, Vol. 64, No. 1, 2011
- 28-Dhamoon, R. K. "Considerations on mainstreaming intersectionality." Political Re- search Quarterly, Vol. 64, No. 1, 2011
- 29-Ghavamshahidi, Z. "The linkage between Iranian patriarchy and the informal economy in maintaining women's subordinate roles in home-based carpet production." In Women's .Studies International Forum, Vol. 18, No. 2, 1995, pp. 135-151
- 30-Golmeymi, M., M. Mirvaisi and B. Maleki and Z. Aliabadi. "An empirical study on the effect of WTO membership on Iranian Handicraft industry: A case study of Persian car- pet." Management Science Letters, Vol. 3, No. 5, 2013
- Hyett, Nerida, Amanda Kenny and Virginia Dickson-Swift. "Methodology or meth-31- od? A critical review of qualitative case study reports." International journal of qualitative .studies on health and well-being, Vol. 9, No. 1, 2014

An Intersectional Analysis of Women Carpet Weavers' Labor Rights: A Case Study of Women Carpet Weavers in Tabriz

Shiva Bazargan*

Amir Nikpey **

Abstract: Women constitute a large part of the Iranian carpet weaving population, who usually weave carpets at home without an employer and are deprived of compulsory social insurance. The carpet weaving insurance law passed in 2009 gave them the opportunity to use social insurance, but a group of women carpet weavers from the suburbs of Tabriz are being studied who, despite their full-time employment, could not enjoy the support of the legislature. Why not having access to the law is the main question. Qualitative method and semi-structured in-depth interviews were used to collect data. Data analysis with thematic method in the intersectional theoretical framework shows that unequal interpersonal and in-group relationships, structural barriers, cultural and ideological justifications, and the disciplinary and administrative regulation in relation to each other have led to the deprivation of these women from labor rights. Women carpet weavers are marginalized not only because of their gender, but also because of their intertwined status with their location, economic-social class, and age, which even the Iranian legal system seeks to enact laws and regulation to support them, it is not available. The labor law system, with its narrow definition of worker, does not recognize women carpet weavers as workers and

*.Ph.D. Student in Public Law at Shahid Beheshti University (sh.bazargan70@gmail.com)

**The Assistant Professor in Socio-Legal Studies at Law Faculty of Shahid Beheshti University (corresponding author) anikpey@sbu.ac.ir



does not provide an appropriate mechanism to ensure their access to labor rights. The authors conclude that the persistence of social inequalities even with the enactment of some protected laws by the legal system, such as carpet weavers' insurance will be better understood by the method of intersectional analysis.

Key Words: intersectionality, intersectional discrimination, labor rights, social security, carpet weaving insurance.